

ویژه کارکنان شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی شهر و روستا

حوزه‌های ساماندهی و بازسازی پس از سانحه

بخش‌های آسیب پذیر

دوران ساماندهی و خصوصاً بازسازی اغلب به تعمیر و دوباره سازی خرابی‌های کالبدی اختصاص دارد. مسئولان دولتی و خیرین غالباً به تامین سرپناه، مراکز درمانی، مدرسه و نوسازی زیر ساخت‌ها تمایل دارند. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، زیان‌های نامرئی شامل اثرات روانی و اجتماعی سانحه، مشکلات اقتصادی و مسائل فرهنگی جوامع در حین بازسازی معمولاً بسیار کم مورد توجه قرار می‌گیرند.

تاکید بر بازسازی کالبدی با هدف بازگشت به شرایط عادی امری ضروری و خواست قاطع مردم است، زیرا به آسانی قابل رویت است و نتایج حاصله نیز قابل اندازه‌گیری است. در مقابل، بازتوانی اجتماعی، روانی، فرهنگی و حتی اقتصادی توسط دولت یا سازمان‌های خیریه کمتر محسوس است و نهایتاً به عهده جامعه آسیب دیده واگذار می‌شود.

یک برنامه جامع ساماندهی و بازسازی باید به نیازهای کالبدی و روحی روانی جوامع توأمان پاسخ دهد، در غیر اینصورت، نتایج منفی به بار خواهد آمد، زیرا اولاً، احتمال نابودی سرمایه‌گذاری در بازسازی مسکن، بدون توجه به نیازهای مردم از نظر بازتوانی اجتماعی-روانی و خودکفایی اقتصادی وجود دارد و ثانیاً، شناخت روابط علت و معلولی میان بازتوانی کالبدی و اجتماعی-روانی امری مهم است. باید توجه داشت که اگر در فرایند بازسازی، آسیب دیدگان در احداث خانه‌هایشان فعال شوند، تاثیر بسزایی در بهبود سریع بازسازی کالبدی مردم دارد. **برنامه‌های ساماندهی و بازسازی که مردم آسیب دیده را در منافع راه در راه مشارکشان به همکاری با یکدیگر تشویق میکند، نه تنها نتایج روانی مثبتی به همراه دارد، بلکه میزان وابستگی این جوامع را به عوامل بیرونی کاهش خواهد داد.**

در فهرست زیر نام گروه‌هایی که در برابر سانحه آسیب پذیرند و به ساماندهی و بازسازی نیاز دارند، با توجه به نوع سانحه و عوامل در معرض خطر، آمده است:

- بناها ؛
- زیرساخت‌ها ؛
- دارایی‌های اقتصادی (شامل بخش‌های تجاری، صنعتی، فعالیت‌های کشاورزی و غیره) ؛
- بخش اداری و سیاسی ؛
- بخش روان شناختی ؛
- بخش فرهنگی ؛
- بخش اجتماعی ؛
- بخش زیست محیطی .

تلفات و ضایعات

تخریب و اختلال در بخش‌هایی که نام بردیم، زیان‌های ملموس یا مادی و ناملموس یا معنوی به دنبال دارد. هدف از ساماندهی در وهله اول، جبران این زیان‌هاست که نهایتاً به بازسازی آنان می‌انجامد و باید در صورت امکان به استاندارد بالاتر از وضعیت سابق برسند.

نیازها

ارزیابی نیازهای ناشی از زیان‌ها و تلفات احتمالی آینده به برنامه‌ریزی بهتر فعالیت‌های ساماندهی و بازسازی کمک می‌کند. ارزیابی اولیه از یک سانحه، به طور طبیعی بر برآورد نیازهای اضطراری استوار است؛ ولی به هر حال، ضایعاتی که در هر بخش به وجود می‌آید، به وسیله جوامع محلی، وزارتخانه‌های گوناگون، مقامات و سازمان‌های غیر دولتی و نیکوکاران و بنگاه‌های بین‌المللی برطرف می‌شوند. از آغاز دوران اضطراری هر یک از این گروه‌ها با کمک یکدیگر یا جداگانه نیازهای امداد و ساماندهی را ارزیابی می‌کنند. اما اینکه چه نیازی اولویت دارد و به چه میزان، معمولاً میان دست اندرکاران مورد اختلاف نظر و عقیده است. خلق یک تصویر شفاف از شرایط موجود برای تصمیم‌گیری به نحوه و نوع اطلاعات جمع‌آوری شده و تشخیص میزان صحت آنها توسط افراد مجرب بستگی دارد. این امر مستلزم مشورت‌های لازم با آسیب دیدگان و نمایندگان به منظور شناخت اولویت‌ها و نیازهاست. مواردی که برای اتخاذ روش‌های مقتضی در دوران ساماندهی و بازسازی بایستی مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

- **تبیین وضعیت:** در تصمیم‌گیری‌های بلند مدت، که بستگی به ارزیابی اولیه از شرایط دارد، پیگیری دقیق تغییرها و تحولات برای بررسی تاثیر تصمیم‌گیری‌ها امری بسیار ضروری است. به طور مثال، نیاز به سرپناه پس از سوانحی از قبیل لرزش زمین یا نفوذ آب حاصل از سیل در زمین با تغییرات آب و هوایی و باران شدید افزایش می‌یابد. متقابلاً عدم دسترسی مناسب به عوامل لازم ساخت و ساز و مهاجرت مردم به سایر نواحی خود به خود نیاز به سرپناه را کاهش می‌دهد.
- **متعادل کردن نیازهای روانی، اجتماعی، اقتصادی با نگرش کلبدی:** تخریب بخش اعظم موارد کالبدی ممکن است موجب غفلت از پرداختن به سایر نیازهای نامحسوس شود.
- **شناخت این حقیقت که جوامع یک‌دست و همگون نیستند:** گاهی برخی گروه‌های سیاسی یا اقتصادی منسجم برای رساندن صدای خود به مقامات، نسبت به دیگران، توانایی بیشتری دارند. ارزیابی مجدد برای دسترسی نیاز سایر گروه‌های جمعیتی از قبیل سالمندان، کودکان، خانوارهای تک سرپرست، معلولان حرکتی و ذهنی، فقیران و اقلیت‌ها امری ضروری است. به این ترتیب، با کمک رسانی به خانوارهای آسیب دیده افراد بیشتری تحت پوشش قرار خواهند گرفت.
- **در نظر گرفتن نیازهایی که کمتر محسوس‌اند:** شناسایی نیازهای نامرئی برای سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت ضروری است. به طور مثال، پشتیبانی از بخش اداری و ایجاد موقعیت‌های شغلی موجب تسریع بازتوانی کالبدی خواهد شد.
- **تشخیص و تمیز میان نیازها و خواست‌ها:** رخداد سانحه معمولاً انتظارات را در همه سطوح جامعه به ترتیب زیر بالا می‌برد:

مردم از مقامات، دولت محلی از دولت مرکزی، دولت مرکزی از انجمن‌های خیریه جهانی. اولویت‌بندی نیازها و رده بندی مایحتاج سبب می‌شود که در بدترین شرایط و برای گروه‌های فقیر اوضاع بهبود یابد که به این ترتیب توانایی‌ها و منابع آسیب دیدگان نیز مشخص‌تر می‌شود. نباید تصور کرد که آسیب دیدگان قادر به انجام عملی نیستند، بلکه باید هدف این

- باشد که با سپردن برخی امور به آنها شرایط تقویت روحی و خودکفایی (خود باوری) آنان فراهم شود. این امر سبب تقویت مقامات محلی و روحیه عمومی نیز خواهد شد.
- **شناسایی نیازهای غفلت شده در هر مرحله از تصمیم‌گیری:** همانگونه که موقعیت و شرایط بهبود می‌یابد، روش‌های حصول به منابع نیز تغییر می‌کند.
 - **اطمینان یافتن از اینکه همه بخش‌ها و مناطق آسیب دیده ارزیابی می‌شوند:** اغلب اوقات نوعی گرایش به باقی ماندن در مناطق آسیب دیده نا امن وجود دارد که امری احساسی است. در این مواقع مسئولیت گروه‌های ارزیابی آن است که ضمن ارائه تصویری شفاف از وضع موجود با دیدی کارشناسانه، ضمن برجسته کردن مشکلات مناطق آسیب دیده مسائل واقعی را برای مردم بازگو کنند.
 - **شناسایی نیازهای اساسی که با سایر بخش‌های بازتوانی وابسته هستند:** تجارت و صنعت بدون وجود امکانات مخابراتی، حمل و نقل و انرژی عملکرد واقعی خود را نخواهند داشت. به طور مثال، ایجاد تسهیلات درمانی بدون وجود پزشک، کارمند و تجهیزات وابسته امری بی‌حاصل است. درمورد بازسازی مسکن نیز فراوانی ابزار و مصالح ساختمانی الزامی است.
 - **اطمینان یافتن از اینکه ارزیابی جامع بوده است و همه آنچه را که حتی ظاهراً به آنها نیاز نیست در برمی‌گیرد:** کمک‌هایی که نیاز واقعی جامعه آسیب دیده نیستند یا اصولاً غیر مقتضی‌اند، ممکن است آثار منفی در فرایند بازتوانی از خود به جای گذارند. بنابراین، در یک ارزیابی جامع علاوه بر آنکه نیازها مشخص می‌شوند، توانایی‌های محلی نیز کشف می‌شوند و می‌توان درباره مواردی که از نظر اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی مقتضی نیستند، نظر کارشناسی داد.

